

## طرح دعوای جمعی در دعوای مالکیت فکری

سعیده رشیدی بچای<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۸/۱۸

### چکیده

دعوای جمعی، یک رویه قانونی برای طرح دعوای تعداد زیادی از افراد، علیه خواننده واحد در یک دادرسی می‌باشد. در این شکل اقامه دعوا یک نفر یا بیشتر به عنوان خواهان نماینده از سوی خود و تعدادی از افراد، در خصوص ادعای مشترک اقامه می‌کند. اعضای گروه اگرچه در بیشتر موارد نقش فعالی در دادرسی ندارند، اما به نتیجه حاصل از دادرسی ملزم می‌شوند. این شیوه اقامه دعوا ابزاری کارآمد برای احقاق حق تعداد زیادی از افراد با هدف کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی قضایی محسوب می‌شود. ریشه‌های طرح دعوای جمعی به حقوق انگلستان باز می‌گردد، اما حقوق ایالات متحده آمریکا بستر رشد و بالندگی این شیوه اقامه دعوا بوده و الگویی منسجم برای سایر نظام‌های حقوقی به‌شمار می‌رود. در نظام مالکیت فکری برخی مصادیق از جمله نشانه‌های جغرافیایی، وجود دارد که نفع اشخاص زیادی در مصداق واحدی جمع می‌گردد از این رو طرح دعوای جمعی بهترین راه حل برای طرح این‌گونه دعوای محسوب می‌شود. برای طرح دعوای جمعی در نظام مالکیت فکری به‌نظر می‌رسد اثبات ضرر جمعی لازم و ضروری است و تا ضرر جمعی ثابت نشود نمی‌توان توجیهی برای طرح این‌گونه دعوای به دست آورد.

**کلیدواژه:** مالکیت فکری، دعوای جمعی، ضرر جمعی، صنفی.

## مقدمه

پیش‌بینی قواعد و مقرراتی که صرفاً حقوق و تعهدات اشخاص و حدود آنها را تعیین می‌کند به‌تنهایی نمی‌تواند اجرای قوانین و رعایت حقوق افراد را تضمین نماید در نتیجه در هر سیستم حقوقی، تدوین مقررات شکلی می‌تواند کامل‌کننده این حقوق به‌شمار آید. به‌علاوه این قواعد شکلی باید به‌گونه‌ای تدوین شوند که با اطمینان و سرعتی هرچه بیشتر، اهداف حقوق ماهوی را تامین کنند. امروزه با توجه به تدوین مقررات گسترده ماهوی، وحدت آیین دادرسی به‌طور کامل پاسخگوی نیاز افراد در مراجع قضاوتی نخواهد بود و به‌همین علت پیش‌بینی ابزارهای شکلی مناسب و ویژه که طرح دعوا و پیگیری مطالبات افراد را تسهیل نماید، از لوازم ضروری اجرای سریع و مؤثر قوانین ماهوی تلقی می‌گردد. دعاوی جمعی از جمله قوانین شکلی کارآمدی است که موجب احقاق حق و جبران خسارت وارده به تعداد زیادی از افراد با هدف کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی قضایی می‌شود. ساز و کاری که می‌تواند با جمع کردن ادعاهای اشخاص، علتی مؤثر برای بازدارندگی ناقضان حقوق به‌شمار می‌آید.

در این شکل اقامه دعوا که در قلمروهای متعددی از جمله حقوق مصرف‌کننده، محیط زیست، آنتی تراست و یا حقوق کار و مالکیت فکری می‌تواند مطرح گردد، یک نفر یا بیشتر به‌عنوان نماینده گروه، از سوی خود و تعداد زیادی از افراد در قالب یک گروه در خصوص موضوعی مشترک، اقامه دعوا می‌کند و اعضای گروه اگرچه در بیشتر موارد نقش فعالی در دادرسی ندارند، اما به نتیجه حاصله از این دادرسی ملزم خواهند بود. به‌عنوان مثال نشانه‌های جغرافیایی و برخی علائم صنعتی ممکن است ذی‌نفعان متعددی داشته باشد که طرح دعاوی جمعی در صورت نقض حقوق صاحبان این افراد می‌تواند در قالب دعاوی جمعی مطرح شود. زیرا دعاوی جمعی موجب استیفای حقوق پراکنده تعداد زیادی از افراد می‌شود، حقوقی که به علت هزینه‌های بالای دادرسی و منافع کمتر به‌تنهایی انگیزه و فرصتی برای طرح و رسیدگی نمی‌یابند، لذا این روش نقش مهمی در تسهیل اقامه دعاوی خرد داشته و با کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی و اطمینان، روشی مؤثر برای تضمین حقوق ماهوی به‌شمار می‌رود.

## ۱. مفهوم دعوای جمعی

در نظام حقوقی هر کشوری با تعریف صحیح از دعوای فردی و آیین دادرسی کلاسیک آن می‌توان مفهوم دعوای جمعی را نیز به درستی آشکار نمود، به عبارت دیگر حقوق دعوای جمعی در یک کشور باید با توجه به آیین دادرسی راجع به دعوای انفرادی معمول درک شود.

به‌طور معمول هرگاه قواعد ماهوی توسط افراد زیر پا گذاشته می‌شود، شخصی که از این نقض قواعد زیان می‌بیند با استفاده از ابزارهای قوانین شکلی برای احیا و جبران حقوق از دست رفته خود دادخواهی می‌کند و با توسل به اصول و شیوه‌های تعیین شده، خواننده را مجبور به اطاعت از قواعد ماهوی می‌نماید. دادخواهی مستقیم و انفرادی حتی در مواردی که تعداد خواهان یا خواننده از یک نفر نیز بیشتر است تا حدودی می‌تواند جوابگوی نیاز افراد باشد، اما آیا استفاده از روش‌های سنتی در آیین دادرسی برای تعداد بسیار زیادی از افراد که توسط عمل یک نفر متضرر می‌شوند نیز می‌تواند کافی و کارآمد باشد؟ در این حالت طرح دعوای مجزا و جداگانه از سوی هر یک از این افراد هزینه‌های متعددی به دنبال دارد و به خصوص زمانی که خواسته خواهان ارزش زیادی نداشته باشد؛ این امر موجب بی‌انگیزگی وی در اقامه دعوی خواهد شد. از این گذشته به فرض طرح کلیه این دعوای به صورت مجزا و جداگانه، امکان صدور آراء متعارض و متفاوت متصور می‌شود و همین امر جدا از معایبی نظیر اتلاف منابع عمومی، منجر به کاهش احترام و اعتماد افراد به دستگاه قضایی خواهد بود، از این رو نهادهای همچون دعوای جمعی در تسهیل این‌گونه دعوای نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. (گیدی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳، ص ۳۳۴)

تعریف ذیل یکی از تعاریفی است که می‌توان از این نهاد ارائه نمود:

دعوای جمعی یک روند دادرسی قانونی است که قادر می‌سازد ادعاها یا بخشی از ادعاهای تعدادی از اشخاص علیه خواننده واحد در یک دادرسی و دادخواهی تعیین گردد. (مولهرن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴، ص ۳) به‌عبارتی در دعوای جمعی یک یا بیشتر از یک نفر (که به وی خواهان نماینده<sup>۳</sup> (کانر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸، ص ۳۰۴) یا در ترجمه‌ای دقیق‌تر خواهان نمایانگر ادعا گفته می‌شود) از طرف خود و نیز به نمایندگی

---

1. Gidi.

2. Mulheren.

3. Kanner.

تعدادی اشخاص دیگر (دسته یا گروه) که ادعای خسارت برای یک عمل غیرقانونی یکسان دارند (دعوی مشترک) طرح دعوی نماید. در این دعوی فقط خواهان یا خواهان های نماینده طرف دعوی می باشند و اعضای گروه معمولاً به عنوان طرف دعوی شناخته نمی شوند بلکه دسته یا گروه صرفاً توصیف می گردد.

البته باید دقت نمود که تعریفی که در بالا از دعوی جمعی ذکر گردید مربوط به دعوی جمعی خواهان می باشد، یعنی دعوی که از سوی تعداد زیادی از افراد علیه یک یا چند خواننده مطرح می گردد. دعوی جمعی ممکن است از نوع دعوی جمعی خواننده باشد، در این دسته از دعوی که به ندرت اتفاق می افتد، یک خواهان علیه گروهی از خوانندگان که نماینده دادخواهی هستند اقامه دعوی می نماید و در صورتی که خواهان در یک دعوی جمعی علیه خوانندگان متعدد پیروز گردد، دادگاه تمامی خواندگانی را که در قلمرو گروه می گنجد مشمول حکم خود قرار می دهد و بدین وسیله حقوق اساسی و مدنی افراد در سطح وسیع خود تأمین می گردد. اما به علت کثرت دعوی گروهی خواهان ها، این گونه دعوی جمعی بیشتر مورد توجه بوده و لذا در اکثر کتب و مقالات، دعوی جمعی به طور مطلق به معنای دعوی جمعی خواهان مورد استفاده قرار گرفته است. (فرانسیس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰، ص ۴)

## ۲. مفهوم ضرر جمعی

در حقوق ایران ضرر جمعی به درستی تعریف نشده است ولی در حقوق انگلیس دعوی ضرر جمعی عبارت است از یک شیوه دادخواهی که به یک شخص یا یک گروه متشکل اجازه می دهد بر علیه یک شخص یا یک جمع طرح دعوا کنند و هر شخصی که در جریان دعوا وارد این دادخواهی شود به عنوان، «خواهان» مطرح می شود.<sup>۲</sup> یکی از مصادیقی که در حقوق انگلیس از دعوی جمعی بحث می شود، حقوق مصرف کننده می باشد که عبارت است از:

1. Fransis.

2. A class action is a procedural device that permits one or more plaintiffs to file and prosecute a lawsuit on behalf of a larger group, or "class". Put simply, the device allows courts to manage lawsuits that would otherwise be unmanageable if each class member (individuals who have suffered the same wrong at the hands of the defendant) were required to be joined in the lawsuit as a named plaintiff  
[http://www.law.cornell.edu/wex/class\\_action](http://www.law.cornell.edu/wex/class_action) (Mulheron, 2004, p 23)

«دعوی مصرف کنندگان متعدد بر علیه نهاد واحد برای جبران خسارت ناشی از تولیدات آن نهاد»<sup>۱</sup> ضرر جمعی در حقوق انگلیس ویژگی‌ها و شرایط آن در قسمت ۱۹.۶ آیین دادرسی مدنی این کشور بیان شده است. ویژگی مهم اقامه دعوی جمعی<sup>۲</sup> در حقوق انگلیس عبارت است از تنظیم دادخواست جمعی که براساس شرایط حاکم بر دادخواست‌های فردی انجام می‌شود با این تفاسیر که وکیلی که اقدام به تنظیم چنین دادخواستی کرده دعوی جمعی را در قالب یک نهاد واحد که شامل آن مجموعه افراد می‌شود اقامه می‌کند. (فیلی،<sup>۳</sup> ۲۰۰۰، ص ۳۲۷) مهم‌ترین مسئله‌ای که در اقامه این دعوا باید رعایت شود انجام اصول مربوط به مقررات بخش ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی انگلیس می‌باشد که عبارت است از حقوق دفاعی خواهان و خوانده. (بلک استون،<sup>۴</sup> ۲۰۰۸، ص ۲۲۳)

دعوی جمعی در حقوق آمریکا نیز دارای سابقه می‌باشد. در دهه ۷۰ میلادی این نهاد همچنان با انتقاد بسیار زیاد صاحب نظران آمریکایی مواجه بود، استان کبک کانادا در سال ۱۹۷۸ با توجه به همین ماده ۲۳ قانون فدرال آمریکا، شروع به تدوین قوانین در خصوص دعوی جمعی نمود و در سال ۱۹۸۲ ساز و کار دعوی جمعی با انتشار گزارش کمیسیون اصلاحات قانون انتاریو<sup>۵</sup> مورد بازنگری قرار گرفت و تمام این تلاش‌ها جهت نزدیک‌تر کردن قواعد دعوی جمعی در کانادا به ماده ۲۳ قانون فدرال آمریکا مصوب ۱۹۶۶ صورت پذیرفت (بلک استون، ۲۰۰۸، ص ۱۲۰) و مثال‌هایی از این قبیل نمایانگر این مسئله می‌باشد که چرا حقوق‌دانان و صاحب نظران ماده ۲۳ قانون فدرال آمریکا را سرآمد آغازی نوین در مورد نهاد دعوی جمعی می‌دانند.

در سال ۲۰۰۵ قانون Class Action Fairness Act در خصوص دعوی گروهی در آمریکا تصویب شد. با این توضیح که هریک از ایالات آمریکا دارای آیین دادرسی خود برای دعوی جمعی می‌باشد

---

1. Consumer Action maintains this listing of notable class actions so that interested consumers can learn more, join a pending action or make a claim. You can sort the listing three ways—actions or settlements that are (1) open to claims, (2) pending or (3) closed—or use the calendar to search for upcoming claims deadlines. We invite information about pending and ongoing class actions. (Jolowicz, 2000, p 185)

2. Group litigation order.

3. Fealy.

4. Blackstones.

5. The ontario Law Reform Commission.

که اغلب همان سیاق قواعد دادرسی جمعی در سطوح فدرال را دنبال می‌کند با این تفاوت که محاکم ایالتی عموماً در تفسیر خود از این مورد که آیا خواهان الزامات شکلی را برای طبقه‌بندی دعوی رعایت کرده است یا خیر، با دید بازتری برخورد می‌کنند و همین امر موجب تمایل وکلای خواهان‌ها به ارجاع دعوی جمعی به دادگاه‌های ایالتی شده بود. این تفسیر در کنار تأثیر میان ایالتی احکام دعوی جمعی بزرگ، موجب شد تا در سال ۲۰۰۵ کنگره، قانون انصاف در دعوی جمعی را (که به اختصار به آن قانون CAFA گفته می‌شود) به تصویب برساند. این قانون الزامات حوزه‌ای را تسهیل نمود تا دعوی جمعی بیشتری پیش از گذشته قابل ارجاع به محاکم فدرال باشد هرچند که در عین حال چندین استثناء را نیز دنبال نمود تا اختلافات محلی به درستی در ذیل صلاحیت انحصاری دادگاه ایالتی باقی بماند. (هلی،<sup>۱</sup> ۲۰۱۲، ص ۱۵۴) به علاوه مطابق قانون کافا، شرایط ضروری برای انتقال دعوی که در دادگاه‌های ایالتی مطرح شده بودند کاهش پیدا کرد و در کنار این تغییرات می‌توان به تغییر دیگری که این قانون در مورد دعوی گروهی پدید آورد یعنی طرح اعلامیه مربوط به دعوی جمعی مصرف کننده که مسئله ابلاغ‌ها و پرداخت‌های کوپنی را مطرح می‌سازد، اشاره نمود. (کانر،<sup>۲</sup> ۲۰۰۸، ص ۳۰۴)

با وجود اینکه دعوی جمعی آنگلو-آمریکن ریشه‌های تاریخی‌اش به دوران گذشته تحت نظام انصاف بر می‌گردد، در مقابل در کشورهای تابع حقوق نوشته، توسعه جدیدتری دارد. ریشه‌های نظام طرح دعوی جمعی در این کشورها به مقامات دانشگاهی در سال‌های ۱۹۷۰ در ایتالیا بر می‌گردد، در این مقطع گروهی از اندیشمندان ایتالیایی شروع به مطالعه دعوی جمعی در آمریکا کرده و مقالات و کتبی را در این زمینه منتشر نمودند. (گیدی،<sup>۳</sup> ۲۰۰۳، ص ۳۲۴) همین تلاش‌ها توانست به عنوان سرمشقی برای سایر کشورهای تابع حقوق نوشته از جمله برزیل قرار گیرد، اما هنوز این نهاد به طور کامل و در معنای خاص خود در بسیاری از نظام‌های حقوقی دیده نمی‌شود.

---

1. Holly.  
2. Kanner.  
3. Gidi.

### ۲-۱. ویژگی‌های ضرر جمع

ویژگی مهم اقامه دعوی جمعی<sup>۱</sup> در حقوق انگلیس عبارت است از تنظیم دادخواست جمعی که بر اساس شرایط حاکم بر دادخواست‌های فردی انجام می‌شود با این تفاسیر که وکیلی که اقدام به تنظیم چنین دادخواستی کرده دعوی جمعی را در قالب یک نهاد واحد که شامل آن مجموعه افراد می‌شود اقامه می‌کند. (فیلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰، ص ۳۲۷) مهم‌ترین مسئله‌ای که در اقامه این دعوا باید رعایت شود انجام اصول مربوط به مقررات بخش ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی انگلیس می‌باشد که عبارت است از حقوق دفاعی خواهان و خواننده. (بلک استون، ۲۰۰۸، ص ۲۲۳)

### ۲-۲. ضرر جمعی بر اشخاص متشکل و غیرمتشکل

با توجه به اینکه قربانیان ضرر جمعی، ممکن است، اشخاص متشکل و غیرمتشکل باشند، لذا بر اساس همین تفکیک، به بررسی جبران ضررهای جمعی می‌پردازیم. با این توضیح که اشخاص متشکل، دارای شخصیت حقوقی هستند، ولی اشخاص غیرمتشکل جمعیت‌ها و یا گروه‌هایی هستند که دارای شخصیت حقوقی نیستند.

#### ۲-۲-۱. ضرر جمعی بر اشخاص متشکل

گاهی ضرر وارده متوجه شخص یا اشخاص معینی نمی‌شود؛ بلکه اشخاصی که عضو تشکل خاصی هستند، ممکن است به صورت جمعی متحمل زیان شوند. در حقوق ایران حقوقدانان از ضرر مزبور تحت عنوان زیان جمعی «انجمن‌ها» سخن به میان آورده‌اند. واژه «انجمن» هر چند در بعضی موارد، به معنای «گروهی از افراد متشکل» که دارای هدفی غیرانتفاعی بوده، به کار می‌رود، اما گاهی در معنای عام‌تری استعمال می‌شود و تمامی جمع‌های متشکلی که زیر عناوین «کانون»، «صنف»، «موسسه»، «بمیتی»، «ستاد»، «سازمان» و... فعالیت می‌کنند را در بر می‌گیرد. جمع‌های متشکل واجد شخصیت حقوقی بوده و معمولاً مطابق اساسنامه‌ای که جهت فعالیت آن تدوین گردیده عمل می‌نمایند. «کانون وکلای دادگستری»، «صنف طلافروشان»، «موسسه خیریه انصارالمهدی»، «بنیاد

---

1. Group litigation order.

2. Fealy.

خیریه بیماری‌های خاص»، «ستاد دیه»، «سازمان حمایت از مصرف کنندگان» و... از جمله جمع‌های متشکل هستند.

هواداران و افراد وابسته به تشکل‌ها که عضو آن تشکل نیستند، در شمار اعضای جمع متشکل قرار ندارند، هرچند که اساساً با آن تشکل بی‌ارتباط هم نیستند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا «انجمن» در معنای عام، می‌تواند برای ضرر جمعی وارده به اعضای آن تشکل دعوای مسئولیت مدنی اقامه کند و به سبب خسارت وارده به منافع جمعی مطالبه جبران خسارت نماید؟ برخی گفته‌اند: منطقی نیست، خسارتی که به صورت انفرادی قابل مطالبه نیست، به صورت جمعی قابل مطالبه باشد. به عبارت دیگر خسارتی که افراد یک گروه متشکل نمی‌توانند جبران آن را بخواهند، تحت عنوان ضرر جمعی، قابل مطالبه نیست. به تعبیر دیگر، وقتی اعضای انجمنی به صورت فردی نفع کافی در اقامه دعوا ندارند، اجتماع آنان در انجمن نیز چنین حقی به وجود نمی‌آورد. انجمن‌ها صلاحیتی بیش از اعضای خود ندارند و نمی‌توانند به نام حفظ مصالح عمومی صنف یا طبقه معینی دعوای جبران خسارت جمعی اقامه نمایند؛ مگر اینکه قانون این سمت را به آنان داده باشد. با وجود این، بعضی از کشورها از جمله فرانسه، برای گروه‌هایی که دارای شخصیت حقوقی هستند، حق مطالبه خسارت جمعی قائل شده‌اند. مبنای حقوقی چنین تجویزی، نمایندگی ضمنی اعطایی به شخص حقوقی از سوی اعضای تشکل عنوان گردیده است. به عبارتی، اعضای تشکل به صورت ضمنی، به شخص حقوقی نمایندگی داده‌اند، چنانچه به منافع جمعی آنان آسیبی وارد آید، برای مطالبه خسارت، علیه عامل زیان اقامه دعوا کند. همچنین گفته شده است هدف از تشکیل انجمن‌ها، حمایت از منافع معنوی اعضای آن است. در حقیقت منافع معنوی مشترک، هدف انجمن و دارایی معنوی آن را تشکیل می‌دهد، این منافع به‌عنوان آورده هر عضو محسوب می‌شود و بالتبع، دفاع از آن به عهده انجمن است. لذا اگر تهمت ناروا و یا ناسزایی به اعضا گفته شود، در واقع به هر یک از اعضا به مناسبت شرکت در آن انجمن است. بنابراین می‌توان گفت، عامل زیان صدمه‌ای به سرمایه و دارایی معنوی انجمن وارد کرده است که شخص حقوقی صلاحیت دارد، به نمایندگی از اعضاء، مطالبه خسارت معنوی نماید. (حیاتی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۷)

حق اقامه دعوا که در قوانین خاص به انجمن‌ها داده شده است، منوط به تحقق شرایطی است که من جمله این شرایط، سابقه‌دار بودن انجمن، داشتن نمایندگی از سوی اعضای آن، داشتن فواید



اجتماعی و... است. البته در صورتی که انجمن به ثبت رسیده باشد، ضرورتی بر سابقه‌دار بودن آن نیست. چنانچه شرایط مزبور فراهم باشد، دادگاه بررسی می‌کند که آیا زیان ادعایی، در محدوده منافی که انجمن از آن دفاع می‌کند، قرار می‌گیرد یا خیر. اگر دادگاه پس از بررسی دریافت که چنین وضعیتی وجود ندارد، دعوا را نمی‌پذیرد. بر این اساس، دیوان عالی کشور اختیار دارد که با مراجعه به اساسنامه انجمن، بر ارزیابی‌ها قضات از این حیث، نظارت نماید.

اما مسئله اساسی، پذیرش دعوای جبران خسارت جمعی، به عنوان قاعده‌ای عام، برای همه انجمن‌ها است. این موضوع محل اختلاف بوده و رویه قضایی فرانسه فراز و نشیب‌هایی داشته است تا سرانجام توانسته به راه حل مناسبی دست یابد. انجمن‌هایی که به‌عنوان نمونه از آن اسم برده شد، عموماً وظیفه دفاع معنوی از اعضای خود را برعهده دارند. منافع معنوی اعضاء، در واقع سرمایه معنوی این انجمن‌ها را تشکیل می‌دهد. لطمه‌زدن به این سرمایه، علی‌القاعده، باید موجب ضمان باشد. طرح دعوای مسئولیت مدنی، برای جبران این‌گونه ضررها، در حقوق فرانسه، سابقه نسبتاً طولانی دارد. شعبه مدنی دیوان عالی کشور فرانسه، در رأیی که در ۲۵ نوامبر ۱۹۲۹ صادر نموده، طرح دعوای جبران خسارت جمعی از سوی انجمن را پذیرفته و آن را قابل استماع دانسته است. با این حال، شعب کیفری دیوان، نسبت به استماع چنین دعوای، نظر مساعد نداشتند. استدلال آنان این بوده که اگر به انجمن، اختیار داده شود، در دادگاه‌های کیفری، دعوای جبران خسارت مطرح کند، ممکن است، به صلاحیت دادسرا که وظیفه دفاع از منافع عمومی را بر عهده دارد، خدشه وارد نماید. به عبارت دیگر، عملاً، وقتی انجمن در دادرسی‌های کیفری، به عنوان مدعی خصوصی، ورود پیدا می‌کند، بیشتر انگیزه مجازات دارند تا مطالبه خسارت. این موضوع مسئولیت مدنی از هدف اصلی خود که جبران خسارت است باز می‌دارد. به علاوه، به حسن جریان دادرسی در محاکم کیفری هم لطمه وارد می‌کند. با وجود این، نهایتاً، شعبه کیفری دیوان عالی کشور فرانسه، در سال ۱۹۷۰ نیز طرح چنین دعوای را مجاز دانست (آراء مورخ ۳ نوامبر ۱۹۷۰، ۱۴ ژانویه ۱۹۷۱، ۱۳ دسامبر ۱۹۸۸ و ۶ مارس ۱۹۹۰). فراتر از آن، دیوان عالی کشور فرانسه می‌پذیرد که یک انجمن برای جبران خسارات جمعی که حتی قبل از تشکیل انجمن وارد گردیده اقامه دعوا کند؛ به شرط اینکه، مقصود، جبران ضرر وارد به منافع گروهی اعضای خود باشد.

بررسی سبب‌آرائی که در این خصوص صادر گردیده، به‌خوبی نشان می‌دهد که رویه قضایی فرانسه، روز به روز، تمایل بیشتری در پذیرش دعاوی «انجمن‌ها» برای مطالبه زیان جمعی، از خود نشان داده است. در یکی از جدیدترین آراء که در ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۸ از شعبه نخست دیوان عالی کشور صادر گردیده، چنین آمده است: «حتی فراتر از مواردی که قانون تجویز نموده است و حتی در مواردی که اساسنامه انجمن به صراحت آن را پیش‌بینی نکرده است انجمن می‌تواند تحت عنوان منافع جمعی، اقامه دعوا نماید، البته به شرطی که در راستای اهداف اجتماعی خود عمل کرده باشد.» این دیدگاه را باید تأیید نمود، زیرا بهترین شیوه برای تضمین منافع معنوی و جمعی انجمن که تداوم بخش حیات گروهی آنان است، محسوب می‌شود. (حیاتی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۰)

خسارت جمعی همیشه خسارتی معنوی است نه مادی. البته در دعاوی جمعی (در ایالات متحده)، می‌توان مطالبه زیان مادی کرد اما دعاوی جمعی متفاوت است با ضرر جمعی. در دعاوی جمعی، گروهی از زیان‌دیدگان برای تدارک زیان خود طرح دعوا می‌کنند یا از گروهی بزرگ از زیان‌زندگان، شکایت می‌کنند. پس گروه زیان‌دیدگان (که هریک زبانی فردی دیده‌اند) می‌توانند انجمنی تشکیل دهند و خسارت مادی خود را بخواهند و دادگاه اگر به جبران حکم دهد وجوه پرداخت شده، به هر زیان‌دیده معین داده می‌شود. این انجمن برای طرح دعوا لازم نیست ثبت شود و برای این ادعا می‌توان به ماده ۱۲۴۷ قانون مدنی استناد کرد که اجازه داده تا اعمال نظارت بر امور مولی‌علیه به هیأت یا موسسه واگذار شود؛ بی‌گمان این موسسه حق طرح دعوا دارد ولی ضرورتی ندارد که ثبت شود. همچنین می‌توان به موقوف علیهم غیر محصور در یک وقف عام حق داد تا سهم خود را از منافع تسبیل شده وقف، از متولی ممتنع آن بخواهد.

ضرر جمعی اما نمی‌تواند مادی باشد؛ زیرا مال، محلّ و مستقرّ لازم دارد و معلوم نیست که خواننده باید به نفع چه کسی پرداخت کند (زیرا نه تک تک و کیلان متضررند و نه خود کانون وکلا). به عکس، زیان معنوی، جایی برای استقرار لازم ندارد؛ او جای خود را پیدا خواهد کرد.

در حقوق انگلیس ضرر جمعی می‌تواند مصداقی از خسارت‌های مادی نیز داشته باشد زیرا ممکن است خسارتی که بر ساختمان نهادی وارد می‌آید از فعالیت‌های آن گروه و نهاد جلوگیری کرده باشد از این رو در حقوق این کشور برخی از ضررهای جمعی را می‌توان ضرر مادی پنداشت هر چند که

مبنای ضرر جمعی در حقوق این کشور نیز همان طور که در بالا نیز در این باره بحث شد، ضرر معنوی است تا ضرر مادی. (امری<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲، ص ۴۳۳)

#### ۲-۲-۲. ضرر جمعی اشخاص غیرمتشکل

در ضرر جمعی فرض بر این است که به فرد یا افراد مشخص و محدودی ضرر وارد نشده است، به نحوی که بتوان میزان خسارت وارده به هر یک را تعیین نمود؛ بلکه زیان‌دیدگان چنین ضررهایی از اثبات وقوع ضرر عاجزند. در عین حال، آنان عضو تشکلی که واجد شخصیت حقوقی باشد، نیستند. ضرر جمعی اشخاص غیرمتشکل، بسته به این که از سنخ ضررهای مادی باشد یا معنوی، تابع احکام متفاوتی خواهد بود. در صورتی که ضرر جمعی وارده، معنوی باشد، به نظر می‌رسد، مطالبه جبران آن، امکان‌پذیر نمی‌باشد. زیرا از یک سو، جمعیت غیرمتشکل، فاقد شخصیت حقوقی است و داشتن شخصیت شرط تمتع از حقوق مدنی است و از جمله حقوق مدنی حق اقامه دعوا است. از سوی دیگر، اشخاص غیرمتشکل، قادر نخواهند بود، اقامه دعوا نمایند. چون نمی‌توانند رکن وقوع ضرر را که شرط تحقق مسئولیت مدنی است، به اثبات برسانند. بنابراین اگر شخصی با سوء استفاده از لباس روحانیت، اقداماتی انجام دهد که بر وجهه معنوی قشر روحانیت آسیب وارد نماید، مسئولیتی مبنی بر جبران خسارت معنوی جمعی، متوجه او نخواهد بود. اما اگر ضرر جمعی وارده از سنخ ضررهای مادی باشد، وضعیت متفاوت خواهد بود. مصداق بارز زیان‌های مادی جمعی بر افراد غیرمتشکل، خسارات زیست‌محیطی است. برخورداری از محیط زیست سالم، حق هر فردی است. اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به این صورت بر ضرورت حفظ محیط زیست، تاکید نموده است: «در جمهوری اسلامی، حفظ محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.» صدمات زیست‌محیطی، گاهی بر تمامیت جسمانی و روانی و یا اموال اشخاص معینی لطمه وارد می‌کند که در این صورت، ضرر وارده، شخصی قلمداد می‌شود و گاهی صرفاً به سلامت محیط زیست آسیب می‌رساند و شخص

---

1. Emery.

یا اشخاص معینی قربانی زیان نیستند. قسم اخیر از خسارات زیست محیطی را باید «ضرر جمعی اشخاص غیرمتشکل» قلمداد نمود. (حیاتی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲)

دعوی جمعی در حقوق انگلیس با توجه به سازو کارهایی که دارد برای جبران خسارت به اصول حاکم بر قواعد مسئولیت مدنی مراجعه می‌شود قاعداً جبران خسارت در این کشور از درجه تقصیر تبعیت می‌کند زیرا براساس اصول حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس این امر به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. (ریچاردسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷، ص ۱۲۴)

### ۳. امکان طرح دعاوی جمعی در حقوق ایران

تأسیس دعاوی جمعی نه تنها در حقوق ایران یافت نمی‌شود بلکه پذیرش آن نیز با برخی موانع قانونی رو به رو خواهد بود، اما پیش از بررسی قواعد حقوقی ایران، باید این نکته را متذکر شد که تفاوت‌های موجود در نظام حقوقی و نیز تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی یک جامعه می‌تواند در پذیرش یا عدم پذیرش و نیز در چگونگی اجرای یک تأسیس حقوقی جدید مؤثر واقع گردد.

برای مثال برخی از منتقدان، دیدگاه‌های منفی نسبت به دعاوی جمعی در آمریکا داشته و استدلال می‌کنند که دعاوی جمعی پرهزینه و حتی به نوعی تلف‌کننده منابع می‌باشد، هزینه وکلا در این دعاوی سرسام‌آور می‌باشد و به جای جبران خسارت واقعی افراد، این وکلاء هستند که از این دعاوی سود بیشتری می‌برند، به علاوه این نهاد به محاکم اجازه می‌دهد تا سیاست عمومی خود را اجرا نمایند و خود این موضوع باعث می‌شود تا دادگاه‌ها، کارکرد تقنینی جهت نظام‌مندی جامعه را به‌زور از آن خود سازند. (گیدی، ۲۰۰۳، ص ۳۱۵) اما در حقیقت همه این معایب الزاماً به نهاد دعاوی جمعی مربوط نمی‌شود، بلکه چنین جنبه‌هایی ناشی از ویژگی‌های خاص نظام و فرهنگ حقوقی آمریکا می‌باشد. به عبارت دیگر تفاوت‌های فنی، ساختاری، ایدئولوژیک، اقتصادی و حتی سیاسی یک کشور می‌تواند باعث اجرا و استفاده متفاوت از این نهاد در یک کشور باشد. پس برای پذیرش و اجرای نهاد دعاوی جمعی، باید به تمام این موارد توجه کرد تا سرانجام، بتوان قواعدی را متناسب با نیاز و شرایط جامعه و نظام حقوقی آن وضع نمود، نهادی که نه تنها عیوب دعاوی جمعی را ندارد، بلکه به علت

---

1. Richardson.

تطبیق با ویژگی‌های خاص آن کشور، می‌تواند نهادی کارآمد چه از منظر حقوقی و چه از منظر اقتصادی، اجتماعی و ... تلقی گردد.

همان‌طور که گفتیم در قوانین ایران، نهاد دعوای جمعی با توجه به تعاریف و ویژگی‌های ارائه شده از آن، پیش‌بینی نگردیده است، حال پرسش این است که آیا با توجه به قواعد و اصول حقوقی موجود، امکان پذیرش و استفاده از چنین نهادی در حقوق ایران وجود دارد یا خیر؟ سپس در مرحله بعد می‌توان به مطالعه روش‌ها و یا ساز و کارهای مشابه با دعوای جمعی در قوانین ایران پرداخت تا با توجه به همه این موارد، در مورد امکان یا عدم امکان پذیرش و اجرای این ساز و کار در نظام حقوقی ایران به نتیجه و تحلیل صحیح‌تری دست پیدا کرد.

#### ۴. مصادیق قابل طرح دعوای جمعی در حوزه اموال فکری

در نظام مالکیت فکری امکان طرح دعوای جمعی در برخی مصادیق وجود دارد که علت این امر نیز به دلیل استفاده افراد زیادی از یک اثر فکری است در بسیاری از مصادیق اموال فکری، ثبت‌کننده اثر استفاده‌کننده منحصر آن اثر می‌باشد که در این شرایط امکان طرح دعوای جمعی وجود ندارد به نظر می‌رسد از میان مصادیق اموال فکری، علائم تجاری و نشانه‌های جغرافیایی قابلیت طرح دعوای جمعی دارند. علائم و نشانه‌های جغرافیایی که یکی از اقسام مالکیت صنعتی می‌باشد، از قدیم‌الایام مورد توجه بسیاری از کشورهای پیشرفته قرار گرفته بود به طوری که در کشور فرانسه و به موجب فرمان ۱۳۵۰ میلادی ژان دوم و در سال ۱۳۹۵ میلادی به موجب فرمان دوک فیلیپ در دوک نشین بورگونی به طور صریح و روشن از نام مبداء و محل اصلی جغرافیایی ساخت کالاها و صنایع یا تولیدات صنعتی، کشاورزی و علائم حاکی از تولید محصول در منطقه یا محل جغرافیایی خاص حمایت کرده بودند<sup>۱</sup> حاصل تلاش‌هایی از این قبیل منجر به تصویب کنوانسیون پاریس در تاریخ بیستم مارس ۱۸۸۳ در سطح جهانی شد. (امامی، ۱۳۹۰، ص ۵۴۷؛ حکمت نیا، ۱۳۸۹، ص ۵۸) علاوه بر این کنوانسیون، موافقت نامه مادرید در مورد جلوگیری از نصب نشانه‌های غیر واقعی

---

۱. البته برخی معتقدند: «اصطلاح نشانه‌های جغرافیایی برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ در آیین نامه‌ای که توسط شورای اروپا برای حمایت از معرف‌های جغرافیایی محصولات کشاورزی و مواد غذایی به تصویب رسید و پس از آن در موافقت نامه تریپس مورد استفاده قرار گرفت.» (شایسته، ۱۳۸۷، ص ۷۲)

(جعلی) یا گمراه کننده بر کالا مورخ ۱۴ آوریل سال ۱۸۹۱ که بارها از جمله در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۷۹ مورد تجدیدنظر قرار گرفته است و به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۸۲ شمسی کشور ایران نیز به این موافقت نامه و اصلاحی مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۹ آن ملحق شده است. موافقت‌نامه‌هایی دیگری از جمله لیسبن و هم‌چنین موافقت‌نامه تریپس نیز از جمله دیگر مصادیقی است که ماهیت و حمایت از نشانه‌های جغرافیای صحه می‌گذارد. (امامی، ۱۳۹۰، ص ۵۴۸)

اصطلاح نشانه‌های جغرافیایی<sup>۱</sup> به تازگی وارد فرهنگ حقوق مالکیت فکری شده است؛ برای اولین بار در مقررات اتحادیه اروپا برای حمایت از اسامی مبداء و نشانه‌های جغرافیایی به کار رفته است. (میرحسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۴) این نشانه‌ها در مبنای عام دسته‌ای از علائم می‌باشند که بر روی کالا درج می‌شوند تا معرف مبداء جغرافیایی آن می‌باشند. همچون علائم تجاری خاصیت تمایز بخشی دارند بدون اینکه به مانند آنها به اسم جنس (ژنریک)<sup>۲</sup> تبدیل شوند. همچنین این نشانه‌ها از حمایت بین‌المللی برخوردارند. (حیدری، ۱۳۹۱، ص ۵۶) این نشانه‌ها به واسطه پیوند کیفی محصول تولیدی با ناحیه جغرافیایی به سه گروه نشانه‌های منبع<sup>۳</sup>، نشانه‌های جغرافیایی در معنای اخص و اسامی مبداء<sup>۴</sup> تقسیم می‌شوند. (حکمت نیا، ۱۳۸۱، ص ۶۱)

علائم تجاری حتی از روزگاران قدیم نیز وجود داشته است. حدود سه هزار سال پیش صنعتگران هندی بر روی تولیدات خود امضای فرد را حک می‌کردند و آنها را به کشورهای دیگر از قبیل ایران صادر می‌کردند. (وایبو، ۲۰۰۱، ص ۶۵) علامت هر نشان قابل رویتی است که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد.<sup>۵</sup> این علامت ارزش مالی دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۱۲) علائم تجاری از نظر ماهیت، شیوه حمایت، دارنده حقوق انحصاری و مدت حمایت با نشانه‌های جغرافیایی دارای مرزبندی می‌باشد. دارنده علامت تجاری، شخصی (اعم از حقیقی و یا حقوقی) است که آن را طی تشریفات قانونی در اداره مالکیت صنعتی سازمان ثبت اسناد املاک کشور به ثبت رسانده باشد. در حالی که چنین دارنده‌ای در فرض نشانه‌های جغرافیایی

1. Indication géographique protégée / geographical indication.

2. Générique /generic.

3. L'indication de provenance/ Indication of source.

4. Appellation of origin/ Appellation D'origine.

۵. بند الف ماده ۳۰ قانون ثبت اختراعات طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶.

متصور نمی‌باشد و تمامی بنگاه‌های موجود در آن ناحیه با رعایت شرایطی می‌توانند از نشانه‌های جغرافیایی استفاده نمایند.

دارنده علامت تجاری دارای حقوق انحصاری است که به موجب آن می‌تواند دیگران را از استفاده از علامت منع کند؛ این حق انحصاری تا به آنجا پیش می‌رود که او را قادر می‌سازد علیه هر شخصی که بدون موافقت وی از علامت استفاده کرده یا مرتکب عملی شده که منتهی به تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت گردد، در دادگاه اقامه دعوی نماید.<sup>۱</sup> همچنین این حقوق شامل موارد استفاده از علامتی می‌شود که شبیه علامت ثبت شده بوده و استفاده از آن برای کالا یا خدمات مشابه موجب گمراهی عموم می‌گردد نیز می‌شود.<sup>۲</sup> این در حالی است که تمامی افرادی که در یک منطقه جغرافیایی مشمول نشانه، فعالیت دارند در صورت رعایت مقررات حاکم بر نشانه می‌توانند از آن استفاده می‌کنند در همین راستا و بنا بر حکم ماده چهار قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۶ سازمان ثبت اسناد و املاک برای گمراه نشدن مصرف‌کنندگان و تضمین رفتار برابر و منصفانه با تولیدکنندگان مربوط پاره‌ای شرایط جهت تمایز نشانه‌های همنام مشخص خواهد کرد.

همان‌طور که از بررسی ماهیت و شرایط ثبت این‌گونه اموال می‌توان متوجه شد، استفاده غیر منحصراً صاحبان این‌گونه اموال می‌باشند به عبارت دیگر اشخاصی که از یک نشانه جغرافیایی در یک منطقه خاص استفاده می‌کنند می‌توانند به عنوان یک صنف جهت احقاق حقوق از دست رفته خود، طرح دعوای جمعی کنند.

## ۵. مزایا و معایب دعوای جمعی

فلسفه وجودی دعوای جمعی را می‌توان در کارآمدتر بودن این ساز و کار جهت استیفای حقوق و جبران خسارت تعداد زیادی از افراد زیان‌دیده خلاصه نمود، افرادی که با توجه به هزینه‌های اقامه دعوا به‌طور فردی غالباً از دادخواهی چشم‌پوشی می‌نمایند.

---

۱. بند ب ماده ۴۰ قانون ثبت اختراعات و علائم تجاری.

۲. قسمت اخیر بند ب ماده ۴۰ اخیر الذکر.

هرچند ممکن است با توسل به دعوای جمعی هریک از افراد زیان دیده فقط مقدار کمی از جبران خسارات را دارا شوند اما نفع عمومی این موضوع بسیار اساسی می‌باشد، (برونستین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳، ص ۱۴۱۹) اما باید توجه نمود که هر ساز و کاری به موازات نقاط قوتی که دارد می‌تواند نقاط ضعفی نیز داشته باشد. نهاد دعوای جمعی نیز از این واقعیت دور نیست و حتی روند سیستم قضایی کشوری چون آمریکا که نهاد دعوای جمعی را به معنای کامل دارا می‌باشد می‌تواند بیانگر معایبی باشد که در این روش دادخواهی وجود دارد. درمقدمه قانون کافا نیز هدف از تدوین این قانون را اصلاح رویه‌هایی که منجر به سوء استفاده از این نهاد شده دانسته و لذا تضمین نتایج منصفانه‌تر چه برای اعضای گروه و چه برای خواندگان از جمله اهداف وضع این مقررات شمرده شده است.

نکته دیگری که می‌توان به آن توجه داشت این است که هرچند آثار نظری زیادی در مورد مزایا و معایب دعوای جمعی در دسترس قرار دارد اما متأسفانه اطلاعات عملی اندکی موجود می‌باشد. فقدان داده‌های تجربی تا حد زیادی ناشی از مشکل مطالعه دعوای جمعی است و به همین علت بیشتر مباحث حول مزایا و معایب دعوای جمعی تا حد زیادی محدود به حوزه نظریه‌های گوناگونی است که حقوقدانان در این زمینه ارائه داده‌اند.

#### ۵-۱. مزایای دعوای جمعی

وجود سازوکاری چون دعوای جمعی با کم کردن هزینه‌های اقامه دعوای به‌صورت فردی، زیان‌دیدگان را به دادخواهی و جبران حقوق تضییع شده‌شان تشویق می‌کند. همچنین دعوای جمعی موجب صرفه‌جویی در وقت و هزینه دادگاه‌ها می‌شود و همین امر باعث افزایش سرعت در رسیدگی می‌گردد. اثر مهم دیگر این نهاد بازدارندگی و اصلاح رفتارخواننده متخلف می‌باشد چرا که متخلفان بالقوه می‌دانند در اثر نقض حقوق افراد باساز و کاری رو به رو خواهند شد که احتمال گرفتن خسارات از آن‌ها را افزایش می‌دهد و این چه از نظر صرفه اقتصادی و چه از نظر وجه و حسن شهرت به ضرر آن‌ها تمام خواهد شد. با توجه به این نکات، مزایای طرح دعوای به‌صورت جمعی را می‌توان در موارد ذیل بیان نمود:

---

1. Bronsteen.



### الف. ماهیت بازدارندگی

از مهمترین مزایای دعوی جمعی می‌توان به بازدارندگی این ساز و کار اشاره داشت، چرا که دعوی جمعی به افراد اجازه می‌دهند که خواسته‌های خود را هرچند کوچک باهم جمع و در یک دادرسی علیه خوانده متخلف مطرح نمایند و همین امر باعث می‌شود متخلفان در برابر اجرای قانون احساس ترس بیشتری داشته باشند. به عبارت دیگر دلیل منطقی این مزیت متکی به این فرضیه می‌باشد که ناقضان بالقوه حقوق قبل از تصمیم‌گیری در خصوص نقض قانون، هزینه یا منفعت آن اقدام را تجزیه و تحلیل می‌نمایند. اگر هزینه‌ها از منافع آن عمل بیشتر باشد، افراد از ارتکاب عمل خلاف قانون خودداری خواهند نمود (هزینه‌ها ممکن است شامل ضمانت اجراهای جزایی یا مالی باشند در حالی که منافع معمولاً شامل مزیت‌های مالی هستند)

ریشه مدل بازدارندگی بهینه، به کار برجسته برنده جایزه نوبل، گری بکر بر می‌گردد. بکر معتقد است مجرمان براساس برداشت خود در مورد احتمال بازداشت و محکومیت و شدت مجازات است که دست به ارتکاب جرم می‌زنند. چون بازدارندگی هزینه داشته و مستلزم استفاده از منابع عمومی و خصوصی است، لذا برای تحمیل مجازات‌های بهینه که کارآیی اقتصادی را افزایش می‌دهند، وی معتقد است که مجازات‌ها باید تنها زمانی یک عمل را محکوم کند که این محکومیت در مقایسه با ادامه عمل هزینه کمتری داشته باشد و به‌علاوه مجازات‌های حقوقی باید به دنبال تحقق بازدارندگی بهینه باشند. (راشل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹، ص ۱۴۱)

اما سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا در عمل مقامات عمومی می‌توانند به‌طور کامل بر اعمال خلاف قانون نظارت کرده، ناقضین را شناسایی و سپس آنها را تحت تعقیب قرار دهند؟ به عبارت دیگر صرفاً وجود جریمه و مجازات نمی‌تواند علت تام و کاملی برای بازدارندگی تلقی گردد، بلکه این ضمانت اجراها به همراه نحوه عمل و چگونگی اجرای آنها است که بازدارندگی بهینه را تأمین می‌نماید. پس با توجه به تئوری هزینه یا فایده، وقتی متخلفان به جای مواجهه با یک فرد، با اجتماعی از افراد زیان دیده رو به رو باشند که جمع خسارات آنها بسیار زیاد می‌باشد، قبل از اقدام نسبت به اعمال خود دقت بیشتری داشته و همین امر باعث جلوگیری از تخلفات توسط آنها خواهد

---

1. Russell.

شد، به عبارت دیگر نهاد حقوقی دعوی جمعی راهی برای مقابله با نواقص اجرای عمومی قوانین و تحقق اجرای آن و در نتیجه تحقق بازدارندگی بهینه است که به خواهان‌ها اجازه می‌دهد نقش دادستان حقوقی را بازی می‌کنند.

#### ب. تسهیل اقامه دعاوی جبران خسارت

دعوی جمعی ابزاری است که باعث می‌گردد ادعاهای قانونی و بالقوه که احتمالاً به تنهایی مورد دادخواهی قرار نمی‌گیرند، طرح شده و جبران گردند. عدم وجود چنین نهادی باعث می‌گردد شرکت‌ها یا بنگاه‌هایی که به‌طور واضح، ناقض حقوق افراد کثیری هستند به‌طور مؤثر مورد تعقیب قانونی قرار نگیرند و به‌همین علت خسارت اشخاص زیان‌دیده جبران نشده باقی بماند. زمانی که مطالبات افراد جزیی می‌باشد، اقامه دعوی به‌صورت فردی با توجه به هزینه‌های آن مقرون به‌صرفه نخواهد بود، اما با وجود راهکارهایی برای طرح دعاوی به صورت جمعی، دیگر هزینه‌های دعوی به‌تنهایی بر دوش خواهان فردی قرار نخواهد گرفت و همین امر انگیزه افراد را برای طرح دعاوی و در نتیجه جبران خسارت‌های وارد شده به آنها افزایش می‌دهد.

#### ج. کارایی قضایی و صرفه‌جویی در اقتصاد قضایی

با وجود نهاد دعوی جمعی، سیستم قضایی به جای رسیدگی به هزاران دعوی مشابه به یک دعوی رسیدگی می‌نماید و این موضوع موجب صرفه‌جویی در وقت سیستم قضایی خواهد شد. این نکته قابل توجه است که از دعاوی جمعی که به درستی مورد پذیرش دادگاه قرار گرفته‌اند، سیستم قضایی و خوانده سود خواهند برد. اگر هزاران نفر شکایات واحد و یکسانی علیه خوانده داشته باشند، این اتلاف منابع قضایی است که دعاوی مربوطه به صورت انفرادی و تکراری اقامه شوند. چرا باید هزاران قاضی را متعهد به رسیدگی به دعاوی نمود که پیش از آن در وضعیت‌های مشابه مورد رسیدگی قرار گرفته است؟ (اندرسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰، ص ۱۴) در واقع اقامه دعوا به‌صورت گروهی به لحاظ اقتصادی بسیار مقرون به صرفه است. خواهان در صورت اقامه دعوا به صورت انفرادی می‌بایست هزینه‌های دادرسی را از قبیل دستمزد وکیل و نیز هزینه‌های قضایی را پرداخت کند، اما در اقامه دعوی به‌صورت گروهی این هزینه‌ها فقط یک بار پرداخت می‌گردد. لذا طرح دعوی به‌صورت جمعی

---

1. Anderson.

هم از هزینه کردن تک تک افراد برای طرح دعوی جلوگیری می‌کند و هم از بار مالی دادگاه‌ها که در نهایت بر بودجه عمومی تحمیل می‌گردد، کاسته خواهد کرد. نکته مهم دیگر این است که وقتی به همه دعوای مشابه یک‌جا رسیدگی می‌گردد این امر علاوه بر بیشتر شدن سرعت رسیدگی، موجب عدم صدور آرای متعارض و متناقض می‌شود. به عبارتی طرح دعوای به صورت جمعی چه در موضوع هزینه‌ها و چه در موضوع سرعت و زمان رسیدگی به نفع افراد و سیستم قضایی خواهد بود.

#### د. تنظیم مقررات پسینی<sup>۱</sup>

بازارهای مالی با کاستی‌هایی از قبیل عدم تقارن اطلاعات و هزینه‌های بالای معاملاتی مواجه است. برای اصلاح این کاستی‌ها و افزایش رفاه اجتماعی ابزارهای مقررات‌گذاری پیشینی، پسینی<sup>۲</sup> و خود کنترلی<sup>۳</sup> مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاستی‌های بازار با به‌کارگیری هر سه ابزار ممکن است اصلاح شود. در این میان دعوای جمعی یک ابزار مقررات‌گذاری پسینی محسوب می‌گردد که پس از وقوع حادثه به کنترل و تنظیم می‌پردازد و آثار بازدارندگی آن موجب افزایش کارایی بازار می‌شود. (فلاح، ۱۳۹۲، ص ۲۶)

مقررات‌گذاری پیشینی توسط مقامات عمومی و نسبت به همه افراد جامعه انجام می‌گیرد، درحالی‌که در خصوص مقررات پسینی قضات تصمیم‌گیرنده بوده و افراد با طرح دعوی، کنترل و اصلاح رفتار ناقضان را به سیستم قضایی می‌سپارند. دعوای جمعی نیز جزء مقررات‌گذاری پسینی محسوب می‌شود و لذا در مقابل ابزار مقررات‌گذاری پیشینی که به تدوین یک سری مقررات ثابت می‌پردازد انعطاف‌پذیرتر می‌باشد.

#### ۵-۲. معایب دعوای جمعی

علی‌رغم تمام نکات مثبتی که می‌توان برای دعوای جمعی برشمرد، این ساز و کار معایبی نیز دارا می‌باشد. طرح این‌گونه دعوای اراده آزاد طرفین و امکان دفاع آن‌ها را مخدوش می‌سازد و موجب می‌شود حقوق برخی اعضای ذی‌نفع بدون فرصت دفاع مورد رسیدگی قضایی قرارگیرد. به علاوه اقامه دعوا به صورت جمعی امکان ایجاد دعوای واهی را افزایش می‌دهد و موجبات سوء استفاده

---

1. Ex Post Regulation.

2. Ex Ante Regulation.

3. Self Regulation.

افرادی را فراهم می‌کند که با طرح دعاوی پوچ، خواننده دعوی را مورد سوء استفاده مالی قرار داده و حتی به شهرت و اعتبار آن‌ها صدمه وارد می‌کنند. از دیگر معایب این نهاد می‌توان به تعارض منافع اعضای گروه با وکلای دعوی اشاره داشت. به عبارتی وکلای گروه نیز در طرح این‌گونه دعاوی به دنبال منافع خود خواهند بود که چه بسا این منافع با منافع گروه کاملاً هماهنگ و همسو نباشد و از آن جایی که وکیل گروه عهده‌دار پیشبرد روند دادرسی است، همواره این خطر وجود دارد که در صورت تعارض منافع وکیل و گروه، در نهایت منافع بیشتری عاید وکیل گردد تا اعضای گروه. هرچند با تدوین مقررات جدید و باز بینی در قواعد قدیمی به خصوص در نظام حقوقی کشوری چون آمریکا، همواره سعی در کم کردن کاستی‌های دعاوی جمعی شده است، اما وجود همین معایب بالقوه موجب عدم پذیرش این نهاد در حقوق بسیاری از کشورها گردیده است.

با توجه به توضیحات فوق معایب دعاوی جمعی را می‌توان در موارد ذیل بررسی نمود:

#### الف. سلب حق اعضای گروه برای اقامه دعاوی فردی

نهاد دعاوی جمعی موجب می‌گردد حقوق و منافع اعضای مورد بررسی قضایی قرار بگیرد که شاید به علت عدم اطلاع برخی از اعضاء از دعوی مطروحه و عدم حضور، فرصت دفاع از حقوق خود را از دست بدهند و به نتیجه رأیی ملزم گردند که در حقیقت هیچ نقش موثری در آن نداشته‌اند.

این کاستی به خصوص در جایی که وکیل یا نماینده گروه نتواند به‌طور موثری از منافع گروه حمایت کند و در نتیجه آن تمام اعضای گروه متضرر شوند، پررنگ‌تر می‌باشد و این درحالی است که حق اقامه دعوی فردی و مستقل نیز از این افراد گرفته شده است. (برونستین، ۲۰۰۳، ص ۱۴۲۰) هرچند به همین علت، ساز و کار اعلان و اطلاع‌رسانی در این‌گونه دعاوی از اهمیت بالایی برخوردار است اما این امر نیز نمی‌تواند نقطه ضعف عدم اراده آزاد فرد در اقامه دعوی، دفاع از حقوق خود و نیز عدم استقلال دعاوی را به‌طور کامل پوشش دهد.

#### ب. تعارض منافع اعضا و وکلای گروه

این مشکل ناشی از توانایی محدود افراد گروه، در اعمال نظارت و کنترل بر رفتار خواهان نماینده و وکیل گروه می‌باشد که به علت پراکندگی اعضای گروه و زیاد بودن تعداد آن‌ها به‌وجود می‌آید.

خواهان‌های دعاوی جمعی نمی‌توانند به‌طور کافی بر اعمال وکلای دعوی نظارت نمایند، این مشکل متداول باعث می‌گردد وکلای گروه توجه کمتری به کار خود نشان دهند، هم چنین منافع

وکلا ممکن است در تعارض با منافع اعضای گروه قرار گیرد که این امر حتی می‌تواند سازش‌های به‌عمل آمده در این دعاوی را متأثر ساخته و موجب حل و فصل اختلاف بر خلاف منافع گروه گردد. حتی منتقدان براین باور هستند که وکلاء دعاوی جمعی اغلب به رانت‌جویانی تبدیل می‌شوند که با آزادی کامل عمل کرده و به‌جای منافع اعضای گروه بر اساس منافع خود عمل می‌کنند. (راشل، ۲۰۰۹، ص ۱۴۹)

در این دعاوی منافع اعضای گروه در گرو این است که چه بر اساس حکم دادگاه و چه بر اساس سازش‌های به‌عمل آمده در این دعاوی، به جبران حداکثری خسارات خود دست پیدا کند، اما در مقابل وکلای گروه به‌دنبال حداکثر کردن منافع و دستمزد خود با کمترین ساعات کار هستند، در نتیجه وکلا به جای دادرسی‌ها طولانی در دادگاه و احیاناً شکست در این پرونده‌ها، بیشتر به‌دنبال حل و فصل و سازش در این دعاوی خواهند بود، سازش‌هایی که به دلیل تعارض بالقوه منافع گروه و وکیل، همیشه به نفع اعضای گروه انجام نمی‌پذیرد.

مساله دیگری که در این زمینه به چشم می‌خورد، مقایسه میزان خسارتی است که هریک از اعضای گروه دریافت می‌کند در برابر دستمزدهای کلانی که وکلا در این‌گونه دعاوی دریافت می‌نمایند (دستمزد وکلا اغلب به‌صورت درصدی از محکوم به تعیین می‌شود)، تا جایی که عده‌ای معتقدند دعاوی جمعی بیشتر از آنکه به نفع اعضای گروه و یا جامعه باشد، نهادی است که موجب حق‌الوکاله‌های هنگفت برای وکلای این دعاوی می‌گردد و از همین روی این وکلا می‌باشند که بیشتر از خود افراد عادی به‌دنبال مطرح کردن چنین دعاوی هستند.

### ج. امکان طرح دعاوی واهی

از آنجایی که اعضای گروه پراکنده هستند نمی‌توانند نظارت و کنترل درستی بر عملکرد وکلای گروه و یا خواهان‌های نماینده داشته باشند و همین امر از جمله دلایلی است که امکان سوءاستفاده را برای نمایندگان و وکلای دعوی موجب می‌گردد، به عبارت دیگر دعاوی جمعی این امکان را فراهم می‌سازد تا مطالبات کم ارزش علیه شرکت‌های بزرگ در یک دادرسی مورد رسیدگی و حکم قرار گیرد. در نتیجه این دعاوی می‌توانند به ابزار قدرتمندی برای اشخاصی تبدیل شوند که به ظاهر از طرف گروه بزرگی از افراد، اما در باطن صرفاً به نفع خود اقدام به اقامه دعاوی بی‌اهمیت و ضعیف نمایند. طرح این دعاوی در همان ابتدای امر می‌تواند موجب لطمه به شهرت و اعتبار خواننده دعا

گردد و وی را مجبور کند به جای درگیری و شرکت در چنین دادرسی‌هایی، به سازش در خصوص این ادعاهای کم‌ارزش و واهی تن دهد.

بنابراین دعاوی جمعی می‌تواند به شکل نوع باج‌گیری عمل کند که در آن وکلاء خواهان با وجود آگاهی از دعاوی کم‌اهمیت و ضعیف، با به خطر انداختن منافع خواننده، وی را به سازش و مصالحه وادار کنند. (راشل، ۲۰۰۹، ص ۱۵۰)

### نتیجه گیری

دعوی جمعی یکی از طرق دادخواهی می‌باشد توسط افراد بسیاری که در نفع واحدی شریک می‌باشند بر علیه ناقض حقوق جمعی مطرح می‌شود. به عبارت دیگر ضرر جمعی برخاسته از حقوق تعداد کثیری از افرادی است که در موضوع حق و تزییع آن یکسان بوده و بر اساس چارچوب‌های مقرر و قانونی ذینفع واحدی را تشکیل می‌دهند. مطرح شدن دعوی جمعی در نظام مالکیت فکری می‌تواند بسیاری از مشکلات دعوی فردی را از بین ببرد. حمایت‌های گوناگون و ویژه‌ای از نشانه‌های جغرافیایی به عمل می‌آید. به نحوی که سازوکاری حمایت از نشانه‌های جغرافیایی را می‌توان متأثر نظریه‌های مختلفی دانست که در این حوزه مطرح می‌شود. با توجه به بررسی صورت گرفته در این حوزه این نتیجه حاصل شد که می‌توان نسبت به نشانه‌های جغرافیایی، قائل به شخصیت حقوقی شد به طوری که طرف حق قرار گرفته و خود بتوانند نسبت به حمایت لازم در این زمینه فعالیت کنند. انتساب شخصیت حقوقی به نشانه‌های جغرافیایی از طرفی باعث رشد و اعتلای این نوع نشانه‌ها در سطح ملی و بین‌المللی می‌شود از طرف دیگر می‌تواند ساز و کارهای احقاق حق در صورت نقض آن را بهبود ببخشد. در حقوق انگلیس در خصوص طرح دعوی جمعی که مبنای آن یک ضرر جمعی است شخص به نمایندگی از اشخاص زیان اقامه دعوی می‌نماید طرح دعوی جمعی در دادخواست امکان‌پذیر است. نظر به اینکه ضرر وارده بر اشخاص به صورت مساوی نبوده؛ لذا نماینده آن‌ها می‌تواند در ضمن یک دادخواست واحد به عنوان خواهان جبران خسارات ایشان را مطالبه کند. در رأی صادره در دعوی جمعی محکومیت خواننده به پرداخت یا جبران خسارت به نفع خواهان در راستای ارتقاء اهداف و منافع تشکل خواهد بود. اجرای حکم در دعوی جمعی ممکن است به صورت جبران خسارت مادی یا معنوی باشد. امکان مطرح شدن دعوی طاری در چنین دعوی جمعی نیز امکان‌پذیر است چون تشکل این دادرسی با سایر دادرسی‌های معمولی یا شخصی تفاوتی ندارد.

### فهرست منابع

- امامی، اسدالله؛ حقوق مالکیت صنعتی، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ حقوق اموال، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
- حکمت‌نیا و دیگران، تحولات بین‌المللی در حوزه حمایت از نشانه‌های جغرافیایی با تأکید بر فرش ایرانی، مجله حقوق اسلامی، شماره ۲۷، ۱۳۸۹.
- حیاتی، علی‌عباس؛ مسئولیت مدنی، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- حیدری، محمدحسن؛ بیع اموال فکری، انتشارات کاظمی، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- شایسته، شوکت؛ حمایت از نشانه‌های جغرافیایی در موافقت‌نامه تریپس و حقوق ایران، مجله نامه مفید، شماره ۶۷، ۱۳۸۷.
- فلاح، آرزو؛ دعوی گروهی با رویکرد حقوق فدرال آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۹۲.
- میرحسینی، سیدحسن؛ حقوق نشانه‌های جغرافیایی، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- وصالی محمود، رضا؛ تجزیه و تحلیل مقررات مربوط به علائم تجاری در حقوق ایران و تطبیقی، پایان نامه دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۷۹.
- Anderson, Brian, Trask, Andrew, The Class Action Playbook, Oxford University Press, 2010.
- Antonio Gidi, Class Action in Brazil A Model for Civil Law Countries, The American Journal Of Comparative Law, Vol. 51, 2003.
- Blackstones, Guide to the CPR, 2th edition, 2008.
- Bronsteen, John, Fiss, Owen, The Class Action Rule, Notre Dame Law Review, Vol. 78, No. 5, 2003.
- Elizabeth, C. Richardson, J.D. Civil litigation for paralegals, west publishing, 2th edition, 2007.
- Grainger and Michael Fealy, The Civil Procedure rules in action, Gavandish publisher, 2000.
- Grainger and Michael Fealy, The Civil Procedure rules in action, Gavandish publisher, 2000.
- Holly Pauling Smith & Madelein M. McDonough, The International Comparative legal Guide to: Class and Group Action, Published by Global Legal Group, Chapter 25, 2012.
- Jack, S. Emery, Civil procedure and litigation, west legal studies Thomas learning, 2002.

- Jolowicz, A. On civil procedure, Cambridge university press, 2000.
- Kanner, Allan, Consumer Class Action After CAFA, Drake Law Review.2008.
- Rachael Mulheron, The class action in common law legal systems, Hart publishing.2004.
- Tiana Leia Russell, Exporting Class Action to the European Union, Boston university International Law Journal, Vol.28, p141.2009.
- Wipo, wipo intellectual property Handbook, Geneva.2001.
- X.Shen, Fransis, The Overlooked Utility of the Defendant Class Action, Denver university Law Review.2010.